

به انسان‌ها بگویید دوستشان دارم

نویسنده: جویس مییر

مترجم: یونا (ا.ن)



به انسان‌ها بگویید دوستشان دارم

نویسنده: جویس مییر

مترجم: یونا (ا.ن)

مقدمه أ

۱- خدا شما را دوست دارد..... ۱

۲- آیا به قدر کافی خوب هستیم؟..... ۷

۳- محبت رابطه است..... ۱۴

۴- محبت، اطمینان و ایمان..... ۲۰

۵- آزادی و رهایی از ترس..... ۲۶

۶- محبت گسترش می‌یابد..... ۳۱

۷- محبت خداوند شما را تغییر می‌دهد..... ۳۸

معتقدم انسان‌ها بیش از هر چیزی در رابطه شخصی برقرار کردن با خداوند نیازمند محبت او می‌باشند. به عنوان یک مسیحی این رابطه باید پایه و اساس زندگی پیروزمندانه باشد. نیاز ما انسان‌ها داشتن دانش و آگاهی کامل در مورد محبت خداوند و بهره‌وری از آن نیست بلکه رابطه برقرار کردن است و این رابطه تنها به وسیله‌ی روح‌القدس ممکن است. هر زمان که یک ایمان‌دار به محبت خداوند تمرکز کند محبت او را در زندگی مشاهده خواهد کرد و به وسیله‌ی دعا، اگر به دنبال رابطه‌ای که در کلام ذکر شده است بگردد آن را دریافت خواهد کرد.

پذیرش این مسأله منصفانه به نظر می‌رسد که خداوند تمام جهان را محبت نمود و این زمانی نمود پیدا می‌کند که می‌بینیم عیسی مسیح را فرستاد تا برای مردم دنیا بمیرد. حال پذیرش این‌که شما تنها شخص مورد علاقه خداوند بر روی زمین هستید که خدا بسیار دوست دارد و دانستن این‌که به خاطر شما عیسی مسیح را فرستاد تا فقط برای شما و تنها شما بمیرد شاید کمی سخت باشد.

پس از سال‌ها مسیحی غیر فعال بودن به درکی از محبت خداوند رسیدم. خداوند از روی بخشش و محبت، خود را شخصاً به وسیله روح‌القدس بر من آشکار ساخت.

این مکاشفه ساده تمام زندگی من و همگام شدن با خدا را تحت‌الشعاع قرار داد.

بر این باورم که هر آن‌چه شما در این کتاب می‌خوانید دید جدید و درک صحیحی در خصوص محبت خداوند برای شما به ارمغان خواهد آورد و ایمان دارم اشتیاق شدیدی برای داشتن چنین مکاشفه‌ای در درونتان ایجاد خواهد شد. توصیه می‌کنم کتاب را با آرامش و به آهستگی بخوانید همانند کتاب درسی و یا کتابی استدلالی که نیاز به تفکر در آن می‌باشد و بر روی آیه‌ها تفکر کنید و صفحات بعدی شامل تفکری است که شما خواهید یافت. این

کتاب با فروتنی کامل به شما تقدیم شده است تا آگاه شوید که من چیزی نیستم مگر بخشی از وجود او و این‌که بدانید تمام مکاشفه و درکی را که از کلام دارم فقط فیضی است که او به من بخشیده است.

فصل اول

خدا شما را دوست دارد

زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد. یوحنا ۳:۱۶

خداوند خواستار این است که خانواده‌ای داشته باشد پس ما را آفرید تا فرزندان او باشیم نمی‌خواهد که همچون کودکان رفتار کنیم بلکه خواستار این است که اعمال ما همچون فرزندان او باشد می‌خواهد به او اعتماد داشته باشیم وابسته‌اش شویم به او تکیه کنیم و در آخر دوستش بداریم و /جازه دهیم او نیز ما را دوست داشته باشد. خواستار توکل و اطمینان کامل به اوست و وقتی در زندگی نیاز و احتیاجی داریم فقط به سوی او دست خود را دراز کنیم. او می‌خواهد با شما یک رابطه شخصی داشته باشد.

هر کدام از ما با خواندن یوحنا ۳:۱۶ با چشمانی از حدقه بیرون زده چنین تفسیری را برای این آیه می‌کنیم که: اوه، بله می‌دانم که عیسی برای جهان مُرد ولی ما که از آن دسته مردمانی نیستیم که عیسی برای آن‌ها جان خود را از دست داد. بله، عیسی برای هر کدام از ما مُرد عیسی برای شما مُرد! اگر شما تنها فرد موجود بر روی زمین بودید عیسی با کمال میل برای شما می‌مرد. او تمام مشقات و آزارها را برای شما متحمل شد عیسی برای شما مُرد! خداوند تو را بسیار دوست دارد او تو را با محبتی بی‌پایان دوست دارد محبتی ابدی.

روزی در جاده‌ای رانندگی می‌کردم خداوند در درون دلم شروع به سخن گفتن کرد و گفت: جویس، تو نور چشم من هستی. حتی نمی‌دانستم که این حرف در کلام مقدس ذکر شده است. در پی شنیدن این کلام خداوند، شیطان در ذهنم خطور کرد و گفت: خوب، آیا این غرور نیست؟ فکر می‌کنی چه کسی هستی؟

با خود گفتم: اوه، نباید چنین فکری بکنم.

داشتن این تفکر که ما فردی خاص هستیم بر علیه ذهن نفسانی ما می‌باشد و

باعث می‌شود تا به تشخیص درستی از این مهم برسیم که متفاوت هستیم و از طرف خدا هدیه شده هستیم.

هر کدام از ما به طور جداگانه توسط پدر خود خدا طوری آفریده شده‌ایم که از افراد دیگری که در کنار ما قرار دارند متفاوت باشیم. همان‌طور که در این کشمکش فکری بودم خداوند تصویری را در جلوی چشمانم نمایان ساخت. خود را در یک سوپر مارکت بزرگ دیدم که در کنار انبوهی از سیب‌ها ایستاده بودم. به تمام سیب‌ها نظر انداختم و یکی از آن‌ها را که واقعاً از بقیه بهتر و بزرگ‌تر بود برداشتم.

و این‌گونه بود که خداوند به من خاطر نشان ساخت که من بهترین سیب در نظر او هستم. من یک فرد خاص بودم. شاید این تصور به نظر صحیح نیاید ولی خداوند این را به تک‌تک ما خاطر نشان می‌سازد.

و این که شما یک فرد منحصر بفرد هستید به این معنی نمی‌باشد که فردی کامل و بی‌نقص هستید و یا چنین تصور کنید که خوب می‌باشید و بقیه خوب نیستند. خداوند می‌گوید: تمام ما خاص هستیم. این در کلام آورده شده است و کلام خداوند برای همه می‌باشد.

شما نور چشم خداوند هستید.

من پیغام خدا را دریافت نکردم و این به خاطر ضعف من برای داشتن چنین طرز فکر زیبایی در مورد خودم بود و برای داشتن چنین ایده‌ای خود را سرزنش می‌کردم.

بعد از گذشت دو روز انجیل خود را باز کردم و در مزامیر ۸:۱۷ خواندم: مرا همچون مردمک چشم نگاه دار مرا زیر سایه‌ی بال خود پنهان کن. مات و مبهوت خیره شدم.

گفتم: آه، واقعاً خداوند بود آن صدا صدای خداوند بود که در قلبم نجوا کرد. من نور چشم خداوند هستم. برای مدت طولانی هر زمان که به این کلام فکر می‌کردم احساس بسیار خوشایند و خاصی را داشتم. انسان‌ها طالب و مشتاق این هستند که کسی به آن‌ها محبت بورزد و این کشش و میل باطنی بسیار قوی می‌باشد. خداوند این میل و رغبت را در ما قرار داده است. بسیاری از انسان‌ها بر این باورند که خدا جهان را دوست داشته که عیسی را محبت نموده ولی مدت مدیدی می‌گذرد تا به این یقین برسند که خدا آن‌ها را دوست دارد. در جهان امروز هنوز هم این قضیه که خدا همه را به اندازه‌ی عیسی مسیح

دوست دارد تدریس می‌شود.

او شما را به اندازه‌ی عیسی مسیح دوست دارد بگذارید به یوحنا ۵:۲۰ نگاهی بیاندازیم.

زیرا خدا (پدرم) مرا دوست دارد و هر چه می‌کند به من می‌گوید من معجزه‌های بزرگ‌تر از شفای این مرد انجام خواهم داد تا شما تعجب کنید.

در این‌جا خدا می‌گوید: به وسیله‌ی عیسی مسیح تمام این کارهای بزرگ را انجام می‌دهم و کارهای خیلی بزرگ‌تر از این‌ها را توسط عیسی انجام خواهم داد تا شاید شما شگفت‌زده شوید (این قسمت توسط نویسنده اضافه شده است). آیا می‌دانید بسیار عالی است که شگفت‌زده شوید تا ترس از انجام کارهای خداند را در دل خود داشته باشید؟

اغلب چنین پیام‌های خداوند را می‌خوانیم ولی کاری را که خداوند خواستار انجام آن برای زندگی ما می‌باشد را فراموش می‌کنیم. او می‌خواهد به کاری که توسط عیسی مسیح انجام داده است بنگریم و شگفت‌زده بگوییم: پسر، خدایا، کاری که توسط عیسی مسیح انجام داده‌ای فوق‌العاده است.

آنوقت خدا می‌خواهد که به یوحنا ۱۲:۱۴ مراجعه بکنی جایی که عیسی می‌گوید: "این که می‌گویم عین حقیقت است هر که به من ایمان بیاورد می‌تواند همان کارهایی را بکند که من کرده‌ام و حتی بزرگ‌تر از این‌ها نیز بکند، چون من نزد «پدرم» باز می‌گردم."

توسط شما چنین کارهایی و حتی بزرگ‌تر از این کارها انجام خواهد گرفت به خاطر این که عیسی به پدر ملحق شده است. آیا به این اعتقاد دارید؟ آیا واقعاً باور دارید که خداوند شما را دوست دارد و از شما استفاده خواهد کرد؟

روزی در حین مطالعه خداوند چنین بر من مکشوف ساخت که گفت: "جوئیس، هر روز خیلی کارها برای انسان‌ها انجام می‌دهم به خاطر این که دوستشان دارم ولی آن‌ها هرگز این کارها را نمی‌بینند. آن‌ها اصلاً تشخیص واهمیت نمی‌دهند. فقط یک مثال برایت می‌آورم. هر روز وقتی که با خورشید صحبت می‌کنم و می‌گویم: برخیز این کار را فقط برای جوئیس انجام می‌دهم برای بتی، برای (اسم خود را در این‌جا قرار دهید)". لحظه‌ای بایستید و به این فکر کنید هر روز خورشید در آسمان به خاطر شما طلوع می‌کند. بله، خورشید! و ما فقط این را جزء بخشش‌های الهی می‌دانیم. می‌دانیم که هر روز قرار است خورشید بالا بیاید ولی خورشید فقط برای شما طلوع می‌کند. وقتی که باران می‌بارد،

فقط برای شما می بارد. وقتی که برف می بارد، فقط برای شما می بارد. خداوند این قدر دوستتان دارد.

در تثنیه ۷:۹ می گوید: "پس بدان که تنها خدایی که وجود دارد خداوند، خدایان است و او همان خدای امینی است که تا هزاران نسل وعده های خود را نگاه داشته پیوسته کسانی را که او را دوست می دارند و دستوراتش را اطاعت می کنند محبت می نماید."

آیا هنوز هم فکر می کنید هزاران نسل کافی است تا درکی از محبت خداوند نسبت به خود را به دست آورید؟ می بینید، او خدایی ازلی است و شما نمی توانید خداوند را همانند لباس کهنه از تن به در آورید.

بسیاری از ما فکر می کنیم در اثر شکست ها و درهم ریختگی های موجود در زندگی چنین کاری را انجام داده ایم ولی شما قادر به انجام چنین کاری نیستید. محبت کهنه و فرسوده نمی شود و نمی توانید خداوند را وادار کنید که به شما محبت نداشته باشد. محبت عملی نیست که از خدا سر می زند او خود محبت است.

حتی کثیف ترین و فاسدترین گناهکارانی که تا به حال پای در این دنیا گذاشته اند و می توانند تُف به صورت عیسی مسیح بیاندازند و بگویند: "با تو کاری ندارم با کمال میل حاضرم به جهنم بروم"، خداوند آن ها را دوست دارد. پس چگونه ممکن است آن دسته از انسان ها که خداوند انتخابشان کرده است تا قصد و اراده ی الهی را توسط آن ها به انجام برساند، آن ها را دوست نداشته باشد؟

ممکن است حالا بگویید: "من عیسی مسیح را در قلب خود پذیرفته ام، و او را دوست دارم." ولی از شما می پرسم: چقدر به این که خداوند شما را دوست دارد اعتقاد دارید؟

پیام خیلی ساده: خدا شما را دوست دارد.

اما این یک اصل اساسی است که خدا برای شما طراحی کرده است که شما همه چیز را درک کنید.

مهم نیست که چه مقدار سخت مطالعه کرده اید و در جستجو مسایل مربوط به خداوند رفته اید یا چه چیزی آموخته اید. اگر به این حقیقت نرسید که خداوند شما را دوست دارد زیاد دور نمی روید و پیشرفتی نمی کنید دیر یا زود می ایستید.

محبت خداوند پایه و اساس ایمان است. ایمانی برای رهایی از گناه برای این که پا فراتر از حیطه ی کلیسا قرار دهید و با دیگران بدون ترس برخورد نمایی و رابطه برقرار کنی.

**آیا محبت خدا را برای خود دریافت می کنید؟
خداوند شما را دوست دارد!**

فصل دوم

آیا به قدر کافی خوب هستیم؟

تا بتوانیم در برابر هر مشکلی بایستیم و اطمینان داشته باشیم که هر پیش‌آمدی به خیر و صلاح ما است زیرا می‌دانیم که خدا چقدر نسبت به ما مهربان است این محبت گرم او را در سراسر وجود خود احساس می‌کنیم زیرا او روح‌القدس را به ما عطا کرده تا دل‌های ما را از عشق و محبتش لبریز سازد. پس ملاحظه می‌کنید که در آن هنگام که ما درمانده و ذلیل بودیم و قدرت کمک به خویشتن را نداشتیم درست در زمان مناسب، مسیح آمد و در راه ما گناهکاران جان خود را فدا کرد!

حتی اگر انسان‌های خوب و پرهیزکار می‌بودیم کمتر کسی ممکن بود حاضر شود جانش را در راه ما فدا کند هر چند ممکن است کسی پیدا شود که بخواهد در راه یک انسان خوب و نجیب جانش را فدا کند.

اما ببینید خدا چقدر ما را دوست داشت که با وجود این‌که گناهکار بودیم مسیح (مسیح تدهین شده) را فرستاد تا در راه ما فدا شود. اگر آن زمان که گناهکار بودیم مسیح با ریختن خون خود این فداکاری را در حق ما کرد و با آزاد کردن، ما را نیکوکار ساخت، و در یک رابطه‌ی درست با خداوند وارد ساخت (حالا که خدا ما را بی‌گناه به حساب آورده چه کارهای بزرگ‌تری برایمان انجام خواهد داد و ما را از خشم و غضب آینده‌ی خدا رهایی خواهد بخشید. هنگامی‌که دشمنان خدا بودیم او به وسیله‌ی مرگ فرزندش ما را با خود آشتی داد پس اکنون که دوستان خدا شده‌ایم و عیسی مسیح هم در قلب ما زندگی می‌کند چه برکات عالی و پرشکوهی به ما عطا خواهد کرد. (هر روز ما را از سلطنت گناه بر زندگی رهایی می‌بخشد) رومیان ۱۰-۵:۵

خیلی از ما انسان‌ها قادر به درک محبت الهی نسبت به خود نیستیم و این‌که تا زمانی‌که همه چیز را با هم قاطی نکنیم او ما را دوست دارد. بسیاری از

انسان‌ها خود را دوست ندارند، چنین نتیجه می‌گیرند که در حالت بد و ناخوشایند خداوند خیلی قادر نخواهد بود که اثرگذار باشد. در جایی که انجیل می‌گوید: ما می‌دانیم که خدا چقدر ما را دوست می‌دارد زیرا گرمی محبت او را چشیده‌ایم ما محبت او را باور می‌کنیم خدا محبت است! و هر که با محبت زندگی می‌کند با خدا زندگی می‌کند و خدا در وجود اوست. در مزامیر ۸:۴ می‌خوانیم: پس انسان چیست که او را به یادآوری، و بنی‌آدم که از او تفقد نمایی؟

شما استثنایی هستید و خدا شما را دوست دارد این بدان معنی است که منحصر به فرد و خاص می‌باشید. قرار نیست که شبیه من باشید و من نیز قرار نیست که شبیه شما باشم. خیلی رقت‌انگیز خواهد بود زمانیکه سعی کنیم شبیه شخص دیگری شویم. اگر چنین اتفاقی بیافتد به شیطان فرصتی برای گفتن این حرف خواهیم داد که: آن‌طور که باید خوب نیستی.

مسئله این است که: با خدا شما نباید به قدر کفایت خوب باشید.

آیا مسیح به خاطر این که شما بزرگ و خیلی جالب بودید برایتان مُرد یا این که به خاطر این مُرد و حتی حاضر شد به خاطر شما جان دهد که خیلی شما را دوست داشت؟

در رومیان ۹ و ۵:۸ انجیل می‌گوید: اما ببینید خدا چقدر ما را دوست داشت که با وجود این که گناهکار بودیم مسیح را فرستاد تا در راه ما فدا شود. اگر آن زمان که گناهکار بودیم مسیح با ریختن خون خود این فداکاری را در حق ما کرد حالا که خدا ما را بی‌گناه به حساب آورده چه کارهای بزرگ‌تری برای ما انجام خواهد داد و ما را از خشم و غضب آینده‌ی خدا رهایی خواهد بخشید.

آیا هنوز هم شما را دوست دارد؟ او آن قدر شما را دوست دارد که گناهان هر چند کوچک را که هر روز انجام می‌دهید می‌پوشاند و نادیده می‌انگارد. او شما را دوست دارد که حتی پس از آزمایشات و امتحانات امروز با قدرت و پیروزی سربلند بیرون می‌آید.

روزی خداوند مثالی در این مورد به من نشان داد که این مثال نمایانگر این بود که چگونه اشتباهات و قصور ما را می‌بخشد و نادیده می‌گیرد.

کودکی حدود سه یا چهار سال را تصور کنید او همیشه نظاره‌گر ما می‌خورد در هنگام انجام کارهای منزل می‌باشد مامی را خیلی دوست دارد و برای این که به او نشان دهد دوستش دارد یک سطل کوچک آب و تکه‌ای کوچک پارچه بر

می‌دارد و به نزدیک شیشه ایوان می‌رود. شیشه را سفت خیلی خوب می‌مالد بعد کمی حوله‌ی کاغذی برمی‌دارد و شیشه را خشک می‌کند البته خط خطی و صابونی و چسبناک است. وقتی شما سر می‌رسید و می‌بینید که چکار کرده است تازه متوجه می‌شوید که بهترین پارچه‌ی پاک‌کننده را استفاده کرده و از بین برده شاید بخواهید گردنش را فشار داده و خفهاش کنید ولی در این هنگام کودک جلو می‌آید و با صدای نازک و شیرینش به شما می‌گوید: مامی، مامی شیشه‌ها را شستم کار خیلی خوب برایت انجام دادم این‌طور نیست؟ مامی دوستت دارم.

یک مادر مهربان و دوست‌داشتنی حتماً می‌گوید: اوه، کار خیلی فوق‌العاده‌ای انجام دادی. برای کمک ازت متشکرم. آن وقت هنگامی که کودک در جای دیگری مشغول بازی است تمام کثیف‌کاری‌هایی را که ایجاد کرده تمیز می‌کند و در وقت مناسب کودک را کمی نصیحت می‌کند تا دوباره دست به چنین کارهایی نزند.

خداوند متذکر شد که او نیز با ما چنین رفتاری دارد. او نامرتب بودن و کثیف‌کاری‌های ما را این‌گونه پاک و تمیز می‌کند.

اگر می‌دانید که چگونه کاری را به سرانجام برسانید و قادر به انجام آن هستید کار موردنظر را به انجام برسانید که خواست خداوند برای شما چنین می‌باشد. انتظار خدا این نیست که کاری را انجام دهید که قادر به انجام آن نباشید. اگر چنین جملاتی را بر زبان بیاورید مطمئن باشید او شما را تغییر خواهد داد پس بگویید: خدایا حق با تو است من اشتباه کردم سعی داشتم ولی نمی‌توانم تغییری ایجاد کنم.

آن وقت خدا این کار را برای شما انجام خواهد داد او آگاه است که شما بدون کمک او قادر به ایجاد هیچ‌گونه تغییری در خود نمی‌باشید.

یوحنا ۳۵ و ۳۴: ۳

کسانی که به او ایمان می‌آورند پی‌می‌برند که خدا سرچشمه‌ی راستی است چون این شخص که از طرف خداست کلام خدا (کلام خدا و پیغام او را آشکار می‌سازد) را می‌گوید، زیرا روح خداوند به فراوانی در اوست پدر آسمانی ما خدا، او را دوست دارد چون او فرزند خداست و خدا همه چیز را در اختیار او قرار داده است (واگذار کرده، تسلیم کرده)

یک روز در هنگام مطالعه این آیه اندیشیدم و بعد که به این درک رسیدم

خداوند بی‌اندازه و بدون بخشش محبت روح خود را به ما ارزانی داشته است با شادی گریه کردم.

خداوند قسمتی از یک برکت و رحمت را و قسمتی از چیز دیگر را هدیه نمی‌دهد بلکه اگر بخواهد چیزی را ارزانی کند همه‌ی آن لطف را به‌طور کامل می‌بخشد نه کم‌کم.

او می‌گوید: بیا، هر چه را که در اختیار دارم به تو می‌بخشم.

کوچک‌ترین بخش قدرت خداوند و محبت او امروز به شما ارزانی می‌شود هر آن چه را که نیاز دارید در اختیار اوست و می‌خواهد که شما نیز آن را به دست آورید و به اختیار در آورید.

چرا؟ به خاطر این که شما را دوست دارد. حتماً آن قدر لازم نیست که خیلی خوب باشید تا لیاقت بدست آوردن این موهبت را داشته باشید زیرا شما قادر نخواهید بود که خیلی خوب شوید تا لیاقت آن موهبت را در هر حال داشته باشید نباید خیلی زیبا یا خیلی باهوش باشید.

به هیچ کدام از این خصوصیات نیازی ندارید. خداوند خواستار این است که موهبت الهی خود را به شما هدیه دهد فقط به خاطر این که دوستتان دارد.

در تثنیه ۷ و ۶: ۷ خداوند می‌فرماید: چون شما قوم مقدسی هستید که به خداوند، خدایان اختصاص یافته‌اید او از بین تمام مردم روی زمین شما را انتخاب کرده است تا برگزیدگان او باشید شما کوچک‌ترین قوم روی زمین بودید، پس او شما را به سبب این که قومی بزرگ‌تر از سایر قوم‌ها بودید برگزید و محبت نکرد.

او قوم اسرائیل را برگزید تا قوم برگزیده او باشد و این قوم را برای این که همچون کلیسای او (بدن) باشد فراخواند. امروز ما اسرائیل قوم خاص خدا می‌باشیم پس این آیه در شما نیز به اندازه‌ی آن قوم خاص او مصداق می‌یابد.

خداوند به قوم اسرائیل می‌گوید: من شما را به خاطر این که بزرگ‌ترین قوم دنیا بودید انتخاب نکردم و این گفته برمی‌گردد به ما که می‌گوید: من شما را به خاطر این که همه چیز داری یا خیلی جذاب و شگفت‌انگیز هستید انتخاب نکردم.

در ادامه می‌گوید که آن‌ها خیلی قلیل‌العدد بودند. در حقیقت، آیا شما هم مثل من فکر می‌کنید؟

شما هم خود را از فرد دیگری که قبل از شما توسط خدا نجات یافته است بدتر

می‌دانید؟

حال در آیه ۸ خداوند می‌گوید: بلکه به این دلیل که شما را دوست داشت و می‌خواست عهد خود را که با پدرانان بسته بود به‌جا آورد به همین دلیل است که او شما را با چنین قدرت و معجزات عجیب و بزرگی از بردگی در مصر رها نمود.

این تکان‌دهنده است! خداوند می‌گوید: من محبت خود را بر تو تمام کردم به تو گفتم که مقدس هستی گفتم استثنایی می‌باشی، انتخابت کردم نه به خاطر این که شگفت‌انگیز و خوب هستی فقط به خاطر این که دوستت دارم.

آیا می‌دانید که خداوند از شما می‌خواهد چکاری را امروز به انجام رسانید؟

می‌خواهد که محبت او را قبول و دریافت کنید.

بزرگ‌ترین اشکالی که برای بیشتر ما انسان‌ها وجود داد این است: خود را دوست نداریم و این باور را که خدا ما را دوست دارد و یا این که هر کس دیگری ممکن است به هر دلیلی ما را دوست بدارد را نپذیرفته‌ایم.

فکر می‌کنیم: چطور آن‌ها می‌توانند دوستم بدانند؟ من لیاقت ندارم.

اگر باور دارید که زشت و بد اقبال هستید خوب در شرایطی قرار می‌گیرید که واقعاً زشت و بدشانس خواهید شد. آن وقت پیشرفت چندانی نخواهید کرد چون تصویری که در قلب شما نقش بسته است جلوی حرکت شما را به سوی پیشرفت و ترقی خواهد گرفت.

در مورد من مشکل این بود که اصلاً خودم را دوست نداشتم هفتاد و پنج درصد زمان خود را صرف تغییر خود می‌کردم. خود را همیشه پرحرف می‌دانستم سعی کردم ساکت شوم بعد که سکوت اختیار کردم همه آن‌هایی که مرا پرحرف می‌دانستند خواستند بدانند که چرا سکوت را اختیار کرده‌ام و این مسأله باعث شد افسرده شوم. به خود گفتم ولی خود شماها به من گفتید که پرحرفم و دهانم همیشه باز است اصلاً سعی می‌کنم حرف نزنم حوصله‌ی شما را ندارم ترکم کنید.

نمی‌توانم بگویم چند سال به این منوال گذشت و هنوز هم با حرافی و وراچی کردن مشکل داشتم. بسیاری از مردم که پرحرف هستند با افرادی که ساکت و آرام هستند ازدواج می‌کنند و این کار بدتر باعث می‌شود تا احساس کنند وراجند. شیطان از این قضیه سوء استفاده کرده و متداوماً متذکر می‌شود که شما پرحرف هستید در انتها به محکومیت (محکوم شدن) شما منجر خواهد

شد.

خداوند می‌خواهد که از محکوم بودن رهایی یابید ولی این رهایی نیازمند ایمان و بی‌باکی برای آزادی است. جسور باشید ایمان خود را باز یابید و به گناه نه بگویید.

شیطان می‌گوید: منظورت این است که حتی احساس بدی نسبت به این قضا یا نداری؟

چرا؟ تو می‌بایست حتی برای چند ساعت احساس ناخوشایندی داشته باشی، کاری که تو کردی کار اشتباهی بود.

تمام صحبتی که با او می‌بایست انجام دهید در این خط خلاصه می‌شود: نه مطمئنم هرگز و در این باره احساس بدی ندارم.

شاید دفعه‌ی اول خیلی دشوار باشد ولی بعد از سه یا چهار مرتبه مبارزه با او طرز به کار بردن آسان این جمله را یاد خواهید گرفت. در اشعیا ۵۳ آیات ۶ و ۵ و ۱۱ انجیل تفسیری می‌گوید که وقتی عیسی گناهان ما را برداشت سنگینی گناه را بر خود حمل کرد (محکومیت گناه را شامل می‌شد) برای گناهان ما بود که او مجروح شد و برای شرارت ما بود که او را زدند تنبیه شد تا ما سلامتی کامل داشته باشیم از زخم‌های او ما شفا یافتیم ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند همراه شده بودیم راه خدا را ترک کرده به راه‌های خود رفته بودیم با وجود این خداوند تقصیرها و گناهان همه‌ی ما را به حساب او گذاشت!

شیطان نمی‌خواهد و نمی‌گذارد که شما از محکوم بودن رهایی یابید چرا؟

اگر محکوم شوید طعم محبت را نخواهید چشید محکومیت بین شما و خدا همچون دیواری آهنی قرار گرفته و شما را از خدا جدا می‌کند بین شما و خداوند قرار می‌گیرد و وقتی در گناه بسر می‌برید قادر به دیدن خدای پدر نیستید. کل چیزی که در اطراف خود می‌بینید فقط جرم و گناه است. از محکومیت رهایی یابید خداوند می‌گوید: فیض من به قدر کفایت است و قصد او پوشاندن گناهان شما و از بین بردن گناه در شما می‌باشد.

او شما را دوست دارد فیض و بخشش لایتناهی همچون هدیه الهی به شما ارزانی شده است همین امروز این لطف الهی را دریافت کنید **خدا شما را دوست دارد!**

بیافکنید تا رضای خداوند را جلب نمایید.

خلاء بزرگی در همه‌ی ما همچون حفره توسط خداوند قرار داده شده است که این حفره‌ی موجود در درون انسان‌ها فقط به دست خداوند پر خواهد شد هیچ چیز یا هیچ کس دیگری شایستگی این کار را ندارد ممکن است به خود بگویید: در حقیقت واقف به آن هستم، من عیسی را دریافت کرده‌ام» ولی آیا هر دقیقه، هر روز در هر موقعیت او را دریافت می‌کنید؟ آیا واقعاً محبت خداوند را دریافت کرده‌اید؟

خداوند شما را دوست دارد در نظر او منحصر به فرد هستید. او ما را آفرید تا رابطه‌ای قوی با او برقرار نمایم و در رفاقت با او بسر بریم بزرگ‌ترین میل و آرزو و اراده‌ی کامل الهی برای زندگی شما چنین است. هر روز صبح به تخت پادشاهی خود در آسمان تکیه می‌دهد و می‌گوید «صبح‌بخیر، دوست دارم» یکی از دوستانم در هنگام دعا مکاشفه‌ای داشت که برایتان تعریف می‌کنم: او خدای پدر را در آمریکا دید که به خانه انسان‌ها وارد می‌شد هر روز صبح وقتی که بیدار می‌شدند او حاضر بود که با فرزندانش (انسان‌ها) صحبت کند و رابطه برقرار نماید. صندلی از کنار میز برداشت و روی آن نشست آدم‌ها بیدار شدند، آمدند و رفتند، آمدند و رفتند. خداوند می‌خواست با آن‌ها صحبت کند ولی همه‌ی آن‌ها متفقاً گفتند: خدایا، بعداً خدایا قدری دیگر این‌جا منتظر ما بمان همین که کارهایمان تمام شد با تو صحبت خواهیم کرد. خدایا می‌خواهیم که با تو رفاقت داشته و رابطه برقرار کنیم ولی خدایا بعداً، خدایا بعداً.

پایان روز رسید دختری که این داستان را تعریف می‌کرد قلبش به درد آمد، قلبش شکست به خاطر این‌که خداوند را با شانه‌هایی افتاده و ناراحت دید که در حال ترک خانه بود. آن روز هیچ کس حاضر نشد که حتی برای لحظه‌ای بیاید و با خداوند صحبت کند.

خود را خیلی مشغول انجام کارها نکنید. اگر زمانی را برای خدا و راز و نیاز و صحبت کردن با او ندارید آن وقت شما فردی با مشغله‌ی زیاد هستید. زمانی را برای ابراز علاقه و محبت نسبت به خدا قرار دهید و به او بگویید که چقدر دوستش دارید.

هنگامیکه کل جهان از بین می‌رود و همه چیز به پایان می‌رسد فقط خداوند است که می‌ماند. کل فلسفه‌ی حیات در همین رابطه برقرار کردن با خداوند

فصل سوم

محبت رابطه است

ما می‌دانیم (درک می‌کنیم، تشخیص می‌دهیم، به وسیله تجربه و مشاهده به آن واقف هستیم) که خدا چقدر ما را دوست می‌دارد زیرا گرمی محبت او را چشیده‌ایم ما محبت او را باور می‌کنیم خدا محبت است! و هر که با محبت زندگی می‌کند، با خدا زندگی می‌کند و خدا در وجود اوست. یوحنا ۱۶:۴

چگونه قادر خواهید بود از محبت خداوند نسبت به خودآگاه و ملتفت شوید؟ مهم نیست که خدا چقدر شما را دوست دارد اگر نسبت به آن محبت درک و فهمی نداشته باشید هیچ اثر مثبتی عاید شما نخواهد شد.

آیا می‌دانید چه احساس خوشایندی خواهید داشت اگر شخصی واقعاً به شما محبت داشته باشد؟ احساسی سرشار از شور و شوق که باعث می‌شود دنیا را پشت سر بگذارید. زیرا می‌دانید شخصی وجود دارد که دوستتان دارد. خداوند شما را دوست دارد و می‌خواهد این محبت را ابراز نماید بهتر است بگوییم می‌خواهد این محبت را نشان دهد. او می‌خواهد زمانی را مختص به او در برنامه‌ی روزانه خود قرار دهید. آیا واقعاً در یک رابطه‌ی شخصی با خداوند قرار دارید؟

اینکه مدت زمان طولانی است که توسط خداوند نجات یافته‌اید مُعرف این نیست که از یک رابطه‌ی غنی با خدا لذت می‌برید. صبحگاهان هنگامی که چشم می‌گشایم اولین چیزی که به فکرم خطور می‌کند خدا است و شامگاهان آخرین چیزی که به آن می‌اندیشم خداوند است و حتی می‌توانم بگویم در اواسط روز به خدا فکر می‌کنم. در این دنیای پهناور کاری غیر از این که خدای خود را خدمت و خشنود سازم وجود ندارد. سزاوار است که همه چیز را به زیر

خلاصه می‌شود و اگر واقعاً رابطه‌ای با خدا نداشته باشید آن وقت شاید موقعی برسد که یک کم دیر شده تا به آن مرحله از رابطه برسید.

این بدان معنی نیست که شما به بهشت نخواهید رفت بلکه شادی و نشاط داشتن یک زندگی پیروزمندانه را از دست داده‌اید.

پیشنهاد می‌کنم برای ارتباط با خدا یک سال را به او اختصاص دهید و بگذارید در آن سال خداوند شما را محبت نماید دست از کوشش برای به کار بردن قدرت خود در ایمان بشوئید و اجازه دهید قدرت و ایمان الهی از شما مرد یا زن با خدایی بسازد.

به گذشته برگردید و همچون کودکی رفتار نمائید. چهار دست و پا به سمت دامن محبت‌آمیز خداوند بدوید و به آن بچسبید بگذارید او شما را محبت کند. تا زمانی که نگذارید او شما را دوست بدارد نمی‌توانید دوستش داشته باشید این رابطه دو طرفه است.

اول یوحنا ۴:۱۶

و ما می‌دانیم (درک می‌کنیم، تشخیص می‌دهیم، به وسیله‌ی تجربه و مشاهده به آن آگاهییم) و معتقدیم و ایمان داریم (توافق داشتن بر آن ایمان و خود را بر این باور تکیه دادن) زیرا گرمی محبت او را چشیده‌ایم ما محبت او را باور می‌کنیم خدا محبت است! و هر که با محبت زندگی می‌کند با خدا زندگی می‌کند و خدا در وجود اوست.

آیا امروز وقتی که بیدار شدید زمانی را برای تفکر درباره این‌که خداوند چقدر نسبت به شما محبت دارد قرار دادید؟ صبح وقتی که از خواب بیدار می‌شوید در ابتدا احساس می‌کنید که علاقه‌ای به انجام هیچ کاری ندارید ولی بعد به دهان خود برای فعال ساختن بدن نیاز دارید تا اجازه دهید روح شما بیدار شود تا کارهای شگفت‌انگیز بسیاری را به انجام رساند.

بنابراین وقتی که صبحگاهان بیدار می‌شوید شروع به گفتن این کلام کنید:

پدر، برای محبتی که نسبت به من داری بسیار سپاسگزارم، متشکرم که عیسی را فرستادی تا برای من جان خود را فدا کند. اوه، پدر بخاطر وجود روح‌القدس از تو متشکرم و از احیاء قدرت در درون خود از تو قدردانی می‌کنم. خدایا از این‌که امروز به هر کجا که قدم می‌گذارم رحمت تو هستم متشکرم.

خدایا، دوستم داری، این‌جا در خانه‌ی کوچک من دوستم داری! من فرزند خاص تو هستم. من نور چشم تو می‌باشم. تو دوستم داری!

خود را از این‌که در محبت خداوند غرق و شناور هستید آگاه سازید و در رابطه با این محبت به ضمیر درون خود آگاهی دهید. انجیل می‌گوید: من نام تو را بر کف دستم نوشته‌ام (اشعیا ۴۹:۱۶)

خداوند را آن‌جایی نظاره‌گر هستیم که می‌گوید: ببین، می‌بینی؟ اوه. آن زن زیبا نیست؟ او را بسیار دوست می‌دارم. فرزندانم را بنگر که چگونه در دستهایم آن‌ها را نگهداری می‌کنم. او شما را در کف دستان خود همچون یک نشان برای یادآوری محبت و اشتیاق خود حفظ می‌کند و برای معاشرت و رابطه با شما مشتاق است.

در همه حال قدردان خداوند باشید و رابطه خود را با او گسترش دهید. گاهی اوقات در هنگام دعا و راز و نیاز نیاز دارید که بر روی صورت خود بیافتید خدا را سجد کرده و فقط از او به خاطر اینکه شما را حفظ کرده و نجات داده تشکر نمایید.

اول یوحنا ۱۷ و ۴:۱۶ را بخوانید در جائی که او می‌گوید:

خدا محبت است و هر که با محبت زندگی می‌کند، با خدا زندگی می‌کند و خدا در وجود اوست. وقتی با مسیح زندگی می‌کنیم، محبتمان بیشتر و کامل‌تر می‌شود. پس در روز داوری شرمنده و سرافکننده نخواهیم شد. واقف بودن به محبت خداوند نسبت به خود در شما اطمینان خاطر و اعتماد به وفاداری او می‌بخشد.

برکات خداوند به وسیله‌ی محبت بر شما جاری خواهد شد. برکاتی همانند: ایمانی بالاتر، پیروزی بر گناه، شفا، خوشبختی و شادی.

و تمام این برکات با دادن اجازه به خداوند برای محبت ورزیدن نسبت به شما مهیا خواهد شد. خیلی اوقات دور خود می‌گردیم و می‌گوئیم: خوب، می‌بایست خدا را دوست بدارم.

معتقدم در ابتدا باید به خداوند اجازه دهیم که دوستان بدارد و باور دارم که تا هنگامی که اجازه ندهید خدا شما را دوست بدارد نمی‌توانید محبت خود را نسبت به او ابراز نمائید.

به شما می‌گویم با خداوند رابطه برقرار نمائید و واقعاً نیاز به این رابطه با خداوند دارید ولی چگونه چنین رابطه‌ای را ایجاد نمائید؟

هنگامی که که خداوند مرا فرا خواند بر روی کاناپه‌ی خود نشستم و گفتم: خدای من، چرا حالا؟

درست است. هنوز هم نمی‌دانم که در آن مرحله و موقعیت خداوند مرا دوست داشته است.

چگونه می‌توانید احساسات خود را به مردم بیان نمایید وقتی مطمئن نباشید که آن‌ها دوستتان دارند؟ فقط با محبت و ستایش کردن آن‌ها؟

می‌ترسید که از خود یک احمق بسازید و با کسانی که احساس می‌کنید دوستتان دارند و محبت شما را دریافت می‌نمایند احساس راحتی و آرامش دارید. من با همسر حرف‌هایی را می‌زنم و کارهایی را انجام می‌دهم که با هیچ کس دیگر قادر به انجام آن‌ها نمی‌باشم به خاطر این که می‌دانم دوستم دارد. از تلاشی سخت و دشوار برای خشنودی خدا و به دست آوردن ایمان دست بردارید و تمام تلاش خود را برای به سر بردن با خدا به کار بندید، هر روز به او محبت نمایید و اجازه دهید محبت خداوند شامل حالتان گردد.

چنین معضلاتی را که با آن‌ها درگیر بودیم با اعتماد به خدا و اشتیاق از خود جدا ساختیم و با اطمینان کامل در محبت خداوند گام برمی‌داریم. یک بار که داشتیم این آیه را می‌خواندم خدا با کلامی جادویی و مغناطیسی در درون قلبم شروع به سخن گفتن کرد. خواسته‌ام این بود که در کوچک‌ترین بخش‌های زندگی با ایمان قدم بردارم و تمام تلاش خود را بر این داشتم که در ایمان قدم بگذارم.

انجیل تفسیری در دوم قرنیتان ۵:۷ می‌گوید که: ما زندگی خود را با محکوم ساختن خویشتن ساخته و رهبری کرده‌ایم و یا به انتظار رابطه‌ی انسان‌ها با خدا ایمان داریم.

به عبارتی تمام قصد و هدف من قادر بودن در گام برداشتن بر ایمانی بر اعتقاداتم درباره‌ی رابطه‌ی برقرار کردن با خداوند است.

آیا منظورم را درک می‌کنید؟ شخصی که خود را نادرست می‌پندارد در ایمان قدم نمی‌گذارد چنین شخصی که تمام احساسش نسبت به خود همچون کرم پیر خاکی است احساس می‌کند که خدا دوستش ندارد و در حقیقت چنین انسانی قدم گذاردن در ایمان را فراموش کرده چون خود را بسیار حقیر می‌بیند.

بسیاری سعی می‌کنند که در ایمان قدم بگذارند ولی بسیاری از موارد مورد نیاز قدم گذاردن در ایمان را در قلب خود ندارند حتی آماده چنین کاری نمی‌باشند.

غلاطیان ۵:۶ می‌گوید ایمان با محبت عمل می‌کند. خداوند چنین محبتی را در قلب من قرار داد. بسیاری فکر می‌کنند معنی این آیه چنین است که اگر انسان‌های دیگر را دوست نداشته باشند ایمان آن‌ها کاری از پیش نخواهد برد ولی معنای این آیه چنین نیست. معنی واقعی آن این است که اگر به محبت خداوند آگاه نباشند ایمان آن‌ها عمل نمی‌کند مُرده است. ایمان بدون محبت عمل نمی‌کند. و این قدرت شما نیست که به دیگران محبت نمائید این قدرت خداوند در درون شماست که اجازه می‌دهد تا دوست داشتن را تجربه نمائید.

در گام نهادن در ایمان و اعتماد به خدا تفاوت زیادی وجود دارد می‌بایست بر خدا تکیه نمائیم و تمام اعتماد خود را برای همه چیز در او قرار دهیم و چنین کاری را برای کسی که نمی‌داند شما را دوست دارد نمی‌توانید انجام دهید یعنی وقتی به دوست داشتن و محبت شخصی نسبت به خود آگاه نباشید

فصل چهارم محبت، اطمینان و ایمان

برای ما که از مسیح حیات جاودانی یافته‌ایم، دیگر ختنه شدن یا نشدن اهمیتی ندارد. مهم آن است که ایمانی داشته باشیم که از آن محبت بجوشد. غلاطیان ۵:۶

بیشتر ما انسان‌ها مدت زمان طولانی را برای به دست آوردن ایمان صرف می‌نمائیم و می‌دانیم که بدون داشتن ایمان خشنود ساختن خداوند غیرممکن است (عبرانیان ۱۱:۶) اما خشنود ساختن خدا بدون ایمان و توکل به او محال است هر که می‌خواهد به سوی خدا بیاید، باید ایمان داشته باشد که خدا هست و به آنانی که با دلی پاک در جستجوی او هستند، پاداش می‌دهد. پس تمام تلاش خود را برای داشتن ایمان بیشتر به کار می‌بندیم ولی ایمان در قلب‌ها گذارده شده است و در صورتی این ایمان را کسب خواهید کرد که در رابطه‌ای محبت‌آمیز با خداوند قرار بگیرید.

واقعاً نمی‌توانم کسب ایمان را به شما بیاموزم ولی انضباطی را برای به دست آوردن این ایمان به شما خواهم آموخت که اشتیاق و میلی شدید در باطن شما ایجاد خواهد کرد تا همه‌ی هدف خود را برای به دست آوردن چنین ایمانی به کار بندید. ایمان توسط انقلابی از سوی خداوند در درون دل‌های شما بوجود خواهد آمد.

دوم قرنیتان ۵:۷

ما این امور را نه با دیدن بلکه با ایمان باور می‌کنیم. زندگی خود را که با سختی دادن به خود مجازات خویشتن ساخته و رهبری کرده‌ایم و یا با انتظار بر آمده از ما در رابطه برقرار کردن با خدا سرلوحه‌ی خود قرار داده بودیم. حال

نمی‌توانید محبت خود را نسبت به او ابراز نمائید. اصلاً ممکن است محبت کردن را فراموش کرده باشید. هرگز نمی‌توانید به خدا اعتماد کنید تا زمانی که به محبت او نسبت به خودتان پی‌نبرید. اگر بدانید که چقدر خدا نسبت به شما محبت دارد در دریافت شفای الهی سختی کم‌تری را متحمل و همچنین در دریافت نیازهای اساسی خود با مشکل کم‌تری مواجه خواهید شد. در مجموع دلیل اصلی این‌که نمی‌توانید محبت خدا و شفای او را دریافت کنید این است که خداوند تمام موهبت‌های لازم را به شما هدیه داده ولی شما توجهی به آن‌ها ندارید. ممکن است بگویید: می‌خواهم باور کنم ولی چگونه؟ محبت خدا در درون جان و وجود شما جای دارد زمانی که خدا به شما چنین محبتی را ارزانی داشته است تنها نیازتان تشخیص و بهره‌وری از این محبت الهی است، در انجیل اول یوحنا ۴:۱۹ می‌گوید: محبت ما نسبت به خدا از محبتی ناشی می‌شود که او در ابتدا نسبت به ما داشت اطمینان از چنین محبتی در قلبتان قرار دارد و این اطمینان قلبی است که آرامتان می‌کند و شما را محبت نموده، شما فوق‌العاده هستید، زیبا و باارزش‌اید! شگفت‌انگیزید! خدا شما را دوست دارد. هیچ انسانی و هیچ موجودی در کل کائنات حتی ذره‌ای به اندازه‌ی خداوند نمی‌تواند دوستان داشته باشد.

دست نیاز شما به سوی کسی غیر از خدا نباید دراز شود و نیازمند کسی غیر از خدا نیستید ولی در راه سخت زندگی خداوند انسان‌هایی را در سر راهتان قرار می‌دهد تا به کمک شما بشتابند. حقیقت این است که شاید بتوان گفت در این دنیا غیر از شما و خداوند کس دیگری وجود ندارد و بدرستی این موضوع را درک خواهید کرد.

خدا می‌تواند بهترین دوست و رفیق شما باشد اگر همدمی ندارید او می‌تواند همدم شما شود.

اگر پدر یا مادر شما از دنیا رفته است و یا پدر یا مادر ندارید او می‌تواند بهترین جایگزین آن‌ها باشد. خداوند آن‌قدر نسبت به شما محبت دارد و آن‌قدر شما را دوست دارد که باعث می‌شود تا در همه چیز فقط به او تکیه کنید و فقط او را باور داشته باشید. شما را بسیار دوست دارد و شما هم به این دوست داشتن کاملاً واقف هستید و اگر به این خودآگاهی نرسید نمی‌توانید از ایمان کافی برای به دست آوردن همه چیز در زندگی بهره‌مند شوید.

ایمان ما زمانی وارد مرحله‌ی عملی و کارکردن می‌شود که اجازه دهیم خداوند

نسبت به ما محبت داشته و به ما از محبت بیکران خود بخشش نماید و چنین کاری توسط قدرت انسانی برای محبت کردن به شخص دیگر عملی نخواهد شد بگذارید خدا شما را محبت نماید و حرکت کنید هر روز بگویید: اوه، خدایا می‌دانم که دوستم داری، هلولیاه! تو را حمد می‌گویم، نامت را می‌ستایم.

اسمیت ویگل ورت (smith wiggles wortt) یکی از بزرگ‌ترین آموزگاران کلام خداوند بود شخصی از او سوال کرد که آیا مدت زمانی طولانی را صرف دعا کردن می‌کند یا خیر و او جواب داد به ندرت بیشتر از ۳۰ دقیقه دعا می‌کنم ولی به ندرت ممکن است ۳۰ دقیقه را بدون دعا کردن بگذارم. یک‌بار گفت: اگر ۵۰ دقیقه را بدون رابطه برقرار کردن با خدا بگذارم می‌بایست توبه کنم.

هدفتان این نباشد که عضوی از اعضاء خانواده یا هر شخص دیگری را انتخاب کنید و به زور روی او کار کنید تا نجات یابد بگذارید خدا شما را هدایت نماید آنوقت با گذشت زمان عضوی از اعضاء خانواده‌ی شما حاضر خواهد بود که نجات یابد و شما برای محبت نسبت به او آماده خواهید شد. انجیل می‌گوید که اگر به آن‌ها محبت نمایید و از این‌که آن‌ها را به وسیله‌ی کلام و راه‌های فرضی خود به دست بیاورید دست بردارید آن وقت آن‌ها را با اعمال خوب خود به سوی عیسی هدایت خواهید نمود. روح مقدس خداوند خانواده‌ی شما را به سوی محبت خداوند هدایت می‌نماید. ولی اگر اجازه ندهید که در ابتدا خداوند به شما محبت نماید آن‌گاه نمی‌توانید دیگران را دوست بدارید. افسسیان ۲:۸ می‌گوید: بنابراین در اثر بخشش رایگان و مهربانی خدا و توسط ایمانتان به مسیح است که نجات یافته‌اید و این کار شما نیست، بلکه هدیه‌ی خداست.

آیا آگاه هستید که کاری برای نجات خود انجام نداده‌اید؟

بیشتر ما در روزی که عیسی ما را نجات داد بد و بی‌لیاقت بودیم ولی مطمئناً این نجات به خاطر اعمال خوب و یا توانی ما در انجام کارهای خوب صورت نگرفته است.

این نجات فقط یک علت دارد: زیرا خدا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد (یوحنا ۱۶:۳)

همچنین فیض خداوند میل او را برای استفاده از قدرت خود در زندگی ما و برآورده ساختن کلیه‌ی نیازهای ما نشان خواهد داد.

خداوند برای شما به وسیله‌ی فیض خود ایمان کافی برای نجات و همچنین به خاطر محبت خود ایمانی در قلب شما بخشیده است تا به این باور برسید که او تنها شفادهنده است و این ایمان را به شما هدیه کرده که تنها او مهیاکننده همه چیز است.

اگر ایمانی که نسبت به شما داشته برای نجات از تمام گناهان کافی است، همان ایمان در درون شما برای برآورده ساختن کل نیازهای زندگی شما نیز بس است.

وقتی ایمان داشته باشید که خداوند شما را دوست دارد واقعاً شروع به درک محبت او خواهید کرد و بعد از درک محبت آن شروع به اعتماد کردن به خدا خواهید کرد.

شاید بتوان گفت محکوم به پذیرش کلام صادق و درست خداوند هستید و به درک این مطلب خواهید رسید که او هرگز به شما دروغ نمی‌گوید به خاطر این که او شما را دوست دارد.

برطبق انجیل تفسیری «ایمان» تکیه دادن شخصیت کامل انسانی بر او [خدا] در توکل کامل و اطمینان به قدرت او، حکمت و نیکی کردن است.

کولسیان ۱:۴ زیرا شنیده‌ایم که چه ایمان استواری به خداوند دارید و چه محبت عمیقی به ایمانداران او نشان می‌دهید.

همان‌گونه که به خداوند اجازه می‌دهید محبت او شامل حال شما شود می‌آموزید که او را محبت نمایید و به او اعتماد کنید و در این محبت شما ایمان خواهید یافت.

خدا/ شما را دوست دارد!

خداوند معنی آن را در روح آشکار ساخت تا درکش کنیم. محبت کامل ترس را از بین می‌برد، و خداوند آن محبت کامل است. اگر بدانید که آن محبت کامل چقدر نسبت به شما ارزانی شده آن‌گاه در این دنیا هیچ چیزی قادر به ترساندن شما نخواهد بود. اگر یک مکاشفه شخصی در شما به وجود آمده که خداوند شما را دوست دارد آن‌گاه غیرممکن است که از چیزی بترسید. اگر بدانید خدا دوستتان دارد هیچ‌گاه از شکست ترسی ندارید وقتی به خدا وابسته باشید نمی‌توانید شکست بخورید تنها راه شکست وابستگی به خویشتن است.

وقتی بدانید خدا دوستتان دارد از شکست و طرد شدن نمی‌ترسید.

محبت خداوند آن قدر عظیم است که همه چیز را پوشش می‌دهد. آیا فکر می‌کنید خدایی که نجات را برای شما به همراه داد و آزادتان کرده قصد مجازاتتان را دارد؟

شیطان محکوم‌کننده است، حکم خداوند بر انجام ندادن گناه در زندگی می‌باشد و راه خروج از گناه را نشان می‌دهد ولی شیطان شما را محکوم می‌کند و به شما می‌گوید هیچ راه خروجی وجود ندارد.

انجیل تفسیری در اول یوحنا ۴:۱۸ چنین می‌گوید:

در محبت ترس نیست (ترسی از آن نشأت نمی‌گیرد) بلکه محبت کامل ترس را بیرون می‌راند زیرا ترس از مکافات سرچشمه می‌گیرد و کسی که می‌ترسد، در محبت به کمال نرسیده است. (هنوز در نهایت کمال از محبت قرار نگرفته است)

بسیاری از انسان‌ها فکر می‌کنند این آیه به این معنی است که وقتی شما مرا به قدر کافی دوست نداشته باشید آن وقت از من نمی‌ترسید یا اگر شخصی را به قدر نیاز دوست بدارید آن وقت ترس از زندگی شما خارج می‌شود. ولی معنی این آیه اصلاً چنین نیست.

معنی آن این است که اجازه دهید خداوند شما را محبت نماید آن وقت شما از چیزی نمی‌ترسید. اگر نمی‌خواهید در زندگی از چیزی بترسید باید اجازه دهید که مورد لطف و محبت خداوند قرار بگیرید.

فصل پنجم آزادی و رهایی از ترس

لازم نیست از کسی که ما را به‌طور کامل دوست دارد بترسیم. محبت کامل خدا هرگونه ترس را در ما ریشه کن می‌سازد. اگر هنوز می‌ترسیم، علتش این است که هنوز کاملاً یقین نداریم که خدا حقیقتاً ما را دوست می‌دارد.
اول یوحنا ۴:۱۸

بزرگ‌ترین دزد ایمان پیشامدهای بدی ست که برای ما اتفاق می‌افتد. مشکل نیست که به این باور برسید که خداوند شما را دوست دارد تا وقتی که پیشامدهای بد باعث می‌شود تا فکر کنید خدا شما را دوست ندارد یعنی اتفاقات بد این توهم را در ذهن شما شکل می‌دهد که او شما را فراموش کرده آنوقت شیطان با ترس و سرزنش وارد می‌شود تا شما را از خیلی مسایل که باعث می‌شود تا با محبت خداوند آزاد شوید جدا سازد.

می‌گوید: خوب، نظرت چیه؟ فکر می‌کردم خدا دوستت دارد. خوب اگر این‌طور بود چرا اتفاقات بد برایت پیش آمد؟ باید کار بسیار بدی انجام داده باشی. خداوند واقعاً از دستت عیبانی است!

تمام این دروغ‌ها باعث می‌شود تا اطمینان شما نسبت به خدا از بین برود و خدا وقتی نسبت به او اطمینان نداشته باشید نمی‌تواند به کمکتان بیاید در این‌گونه موارد یا دیگر به خدا اطمینان ندارید یا تزلزل ایمان در وجود شما پدیدار می‌شود. اگر توشه‌ی ترس و سرزنش را به همراه داشته باشید چگونه می‌توانید محبت خداوند را دریافت کنید؟ اول یوحنا ۴:۱۸ یک مسئلهٔ پر قدرت و مهمی را بیان می‌کند «محبت کامل ترس را از میان برمی‌دارد» بارها و بارها به این آیه فکر کردم، سعی کردم که از آن سر در بیاورم و بالاخره روزی

هم‌اکنون محبت خداوند توسط کار ایمان برای شما مهیا می‌باشد.

پیشروی کنید، به ایمان خود وسعت بخشید و تمام محبت خداوند را نصیب خود گردانید. بعد از این که خداوند چنین مکاشفه‌ای را توسط محبت خود برای بیرون راندن ترس در وجودم به من بخشید باید آن مکاشفه را به مرحله‌ی ظهور در می‌آوردم.

ماشین ما خراب شده بود و فکر می‌کردیم باید ماشین را عوض کنیم ولی نمی‌توانستیم و به این تعویض ماشین نیاز شدیدی داشتیم. حداقل چهار یا پانصد دلار برایمان خرج برمی‌داشت ولی اصلاً پولی نداشتیم. بنابراین سعی کردیم از ماشین به همان صورت که بود استفاده کنیم. یک روز صبح خداوند بر من آشکار شد و گفت: جویس، امروز بیرون برو و فقط به من محبت کن و بگذار من هم به تو محبت نمایم و تو نیاز به کار دیگری نداری نیاز نداری که یک زن خیلی با ایمانی باشی تمام کاری که می‌بایست انجام دهی این است که بیرون بروی به من محبت کنی و بگذاری من هم به تو محبت نمایم فقط تمام مدت بگذار دوستت بدارم.

بنابراین، در اطراف خانه‌ام شروع به گشتن کردم و با ایمان کامل برای خداوند سرودم و شروع به آواز خواندن کردم. زمانی بسیار جالبی را پشت سر نهادم. ناگهان صدای همسرم را در گاراژ شنیدم که برگشته بود. تعجب کردم! چهل و پنج دقیقه پیش خانه را به سمت محل کارش ترک کرده بود. در را باز کرد و گفت: دنده‌ی ماشین‌گیر کرده و از جایش بیرون افتاده است می‌بایست آن را به داخل جا بزنیم در را بستم و فقط شروع به خندیدن کردم اصلاً قصد خندیدن نداشتیم. بیرون آمدم و احساس کردم چیزی در درون جانم به حرکت درآمده خداوند به من نشان داد که به خاطر این که تمام آن روز صبح به او اجازه داده بودم تا به من محبت نماید قادر به خندیدن بودم در غیر این صورت می‌بایست عصبانی می‌شدم. اجازه دهید محبت خداوند در ایمان را به سوی شما باز کند و اجازه‌ی انتشار این ایمان را در وجودتان بدهد. خندیدم و ایمان درونی‌ام باعث شد تا بخندم.

وقتی خداوند به ابراهیم گفت که قصد دارد تا به او پسری عطا فرماید ابراهیم با تمام وجود خندید خنده‌ای از سر ایمان.

ابراهیم برگشت خندید و گفت خدا را شکر! به وعده‌های خداوند ایمان دارم. در

صورتی که سارا با شک و بی‌ایمانی خندید، خداوند او را سرزنش کرد. ولی با ابراهیم کاری نداشت. ابراهیم را از خندیدن متوقف نساخت به خاطر این که می‌دانست ابراهیم از سر ایمان می‌خندد و به کاری که خداوند وعده‌ی آن را داده است ایمان دارد و از آن وعده خوشحال است.

وقتی شیطان بر علیه شما وارد عمل می‌شود درست زمانی است که خداوند قول کاری را به شما می‌دهد او آن کار را احمقانه و خیلی مضحک نشان می‌دهد. آن موقع با تمام ایمان بخندید، بر او بخندید زیرا شما خدای خود را خوب می‌شناسید و آگاهید که قصد او فریب و ترساندن شما نیست.

خداوند در آن زمان درون قلبم چیزی را گوشزد می‌کرد. آن روز بر خراب شدن ماشین خندیدم.

صدایی ضعیف ولی خیلی قدرتمند را می‌شنیدم.

سه بار مکرراً گفت: جویس اگر با من همکاری کنی هیچ‌گاه مأیوس نمی‌شوی! انگار صدای او در فضای خانه پیچید: هیچ‌گاه تو را مأیوس نمی‌کنم! هیچ‌گاه تو را مأیوس نمی‌کنم! وقتی خداوند تکیه‌گاه باشد و اجازه دهید محبت او شامل حال شما شود و دوستش بدارید. آن‌گاه تمام قصد و تلاش بیهوده برای کسب ایمان را فراموش می‌کنید دیگر نیاز به انجام کاری برای به دست آوردن ایمان ندارید بگذارید او شما را محبت نماید و شما هم او را محبت نمائید این رابطه‌ی دو طرفه باعث می‌شود به همه‌ی خواسته‌های خود برسید محبت خداوند در درون شما باعث می‌شود پیشرفت کنید و تمام ترس‌ها در وجودتان از بین می‌رود.

خداوند شما را دوست دارد!

فصل ششم

محبت گسترش میابد

این حکم خداست که هر که او را دوست می‌دارد باید ممنوع (ایمانداران دیگر) خود را نیز دوست داشته باشد
اول یوحنا ۴:۲۱

در تثینه ۷:۶ خداوند یادآور می‌شود که شما فرزندان خاص او هستید اگر به این آیه ایمان داشته باشید و همچون فرزندان خداوند عمل نمایید آن وقت دنیا تغییر خواهد کرد.

با خنده وارد سوپرمارکتی می‌شوید سبد سبزیجات را در دست خود می‌گیرید و با خود می‌گویید: هلولیاه! هر چیزی که به آن دست می‌زنم رحمت است! رحمت خداوند است که امروز به این فروشگاه آمده‌ام. شگفتا!
در داخل فروشگاه در دل خود آواز بخوانید به آرامی سوت بزنید هر کجا که قدم می‌گذارید سعی کنید همچون فردی خاص و استثنایی رفتار کنید.

زمانی که به این درک کامل می‌رسیم که استثنایی و خاص هستیم در رفتارمان محبت خدا نمود می‌یابد و این محبت ما را قادر می‌سازد تا به خاطر عیسی مسیح بر کل جهان پیروز شویم. محبت همچون شعله‌های آتش زبانه می‌کشد و پخش می‌شود.

اصلاً خوب نیست که به هر کجا می‌روید بگویید که یک مسیحی هستید و فقط غرغر کنید. می‌گویید «من یک مسیحی هستم – من یک مسیحی هستم» ولی وقتی ماشینی جلوی پای شما می‌ایستد می‌گویید: بدو، احق از جلوی من کنار برو، مگر نمی‌دانی که باید به کلیسا بروم؟ دیوانه. برای ملاقات دیرم شده. اغلب این‌ها تمام کارها و حرف‌هایی است که انجام می‌دهیم. آیا برای به دست

آوردن آزادی آماده هستید؟

این کار فقط توسط روح القدس انجام می‌شود. رو به شیطان کنید و بگویید: شیطان، تو مرا به اندازه‌ی کافی با دروغ و ترس سرگردان و حیران کرده‌ای من فردی خاص و استثنایی هستم و به خاطر این که خدا مرا دوست دارد می‌خواهم در نام عیسی مسیح پیروزی را به دست آورم. تو، شیطان در مورد این هدف من کاری نمی‌توانی بر علیه من انجام دهی! به پیروزی که به دست آورید بچسبید و احساس پیروزی بر این مهم را در خود از دست ندهید.

محبت خداوند در درون شما را از ترس آزاد می‌سازد و برای محبت کردن به دیگران ترسی در دل خود ندارید. خداوند می‌خواهد که به او ایمان بیاورید و به کلام او وقتی که می‌گوید کارهای بزرگ‌تری توسط شما انجام خواهد داد ایمان صد در صد داشته باشید به خاطر این که عیسی بسوی پدر بازگشت کرده است. آیا واقعاً ایمان دارید که خداوند از شما در کاری استفاده خواهد کرد؟ در هر چیزی که ایمان و اعتقاد شما حرف اول را بزند و واقعاً به آن کار اعتقاد داشته باشید خداوند آن را به شما هدیه خواهد کرد. برای برداشتن گام‌های بلند ترس معنایی ندارد.

قادر به گفتن این نیستیم که چند مرتبه در لبه پرتگاه ایمان قرار گرفته‌ام و نزدیک بود که سقوط نمایم. درست در لبه‌ی پرتگاه انجام کاری ترسناک و وحشتناک، در آن موقع خداوند گفت: بیا، جویس. من کارهای بزرگی توسط تو انجام خواهم داد. بیا

من تمام کارهایی را که خداوند از من خواسته بود انجام دادم و حتی یکبار هم خداوند مرا ترک نکرد و نگذاشت که به پایین سقوط کنم!

آیا می‌دانید که چرا برای قدم برداشتن و یا این که حتی یک بازنده باشم هیچ‌گاه ترسی در دل خود راه ندادم؟ به خاطر این که می‌دانم و آگاهم که خداوند مرا دوست دارد.

او می‌داند که دوستش دارم و مرا دوست دارد و با تمام جلال و شکوه زندگی خود را در اختیار او قرار داده‌ام.

اگر شما هم چنین کاری را انجام دهید و خداوند را دوست بدارید و او شما را محبت نماید دیگر در تمام جهان کاری نیست که برای شما مشکل باشد و از پس آن بر نیایید.

رومیان ۳۹ - ۳۵: ۸

بنابراین چه اتفاقی ممکن است سبب شود که مسیح دیگر ما را محبت نکند؟ زمانی که ناراحتی و مصیبتی پیش می‌آید، و یا سختی و جفایی روی می‌دهد، آیا علت آن اینست که مسیح دیگر ما را دوست ندارد؟ و یا زمانی که در گرسنگی و تنگدستی هستیم و یا با خطر و مرگ روبرو می‌شویم، آیا این‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که خدا ما را ترک گفته است؟

هرگز! زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید که ما باید آماده باشیم تا به خاطر خدا هر آن با مرگ روبرو شویم ما همچون گوسفندانی هستیم که برای سر بردن می‌برند. اما با وجود تمام این‌ها، پیروزی کامل و قطعی همواره از آن ماست! چگونه؟ به یاری عیسی مسیح که آن قدر ما را محبت کرد که جانش را در راه ما فدا ساخت! زیرا من به یقین می‌دانم که هیچ چیز نمی‌تواند محبت مسیح را از ما بازدارد. نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان و نه قدرت‌های جهنم، هیچ‌یک قدرت چنین کاری را ندارند. حوادث امروز و نگرانی‌های فردا نیز قادر نیستند خللی در این محبت وارد کنند.

نمی‌توانید تصور کنید که تا چه حد خداوند خواستار آزادی شما می‌باشد هر وقت که غمگین می‌شوید به خداوند آسیب می‌رسانید. اغلب اوقات صبح از خواب بیدار می‌شوید و تمام روز را در حالتی بد به سر می‌برید می‌دانید در مورد کدامین روز با شما صحبت می‌کنم؟

روزی که به گربه لگد می‌اندازید، سرپچه‌ها فریاد می‌کشید از همسایه متنفر هستید و اخلاقی بد و ترشرویی به سراغتان می‌آید و اثرات عصبانیت و غرغر کردن در صورت شما واضح و نمایان است. فقط کار و کار و کار است که انجام می‌دادم و هیچ کس قدر کارهایی را که برایشان انجام می‌دادم را نمی‌دانست این فکر مرا عصبانی می‌کرد که چقدر انسان‌ها قدرشناس هستند.

می‌دانم که شما ممکن است در چنین شرایطی چگونه رفتار کنید به خاطر این که من هم همانند شما رفتار کرده‌ام.

وقتی که بچه‌ها از مدرسه به خانه برمی‌گردند فکر می‌کنید: چرا به جای هفت ساعت چهارده ساعت در مدرسه نمانده‌اند؟

آیا می‌دانید چنین افکاری به خداوند آسیب می‌رساند؟

قصدم این نیست که در درون شما احساس بدی ایجاد کنم فقط خواستارم تا به مرحله‌ای از درک و تشخیص برسید که باور کنید خداوند شما را دوست دارد آن‌گاه قادر خواهید بود که به محبت خداوند پاسخ دهید و محبت خداوند

شما را به بالا می‌کشد و شروع به بخشیدن این محبت به مردم می‌کنید. آزادید تا محبوبی باشید که در ثمره‌ی محبت شناور است. اگر به این حقیقت که خداوند شما را دوست دارد دست یابید شفای او زودتر شامل حال شما می‌شود سعادت برایتان به ارمغان می‌آورد و نیازهایتان برطرف می‌شود چرا؟

چون شروع می‌کنید به آرامش برسید.

دلیل اصلی که باعث می‌شود خداوند نتواند تمام موهبت‌هایی را که می‌خواهد را در اختیار ما قرار دهد را نتواند به ما ببخشد این است که ما آن قدر مشغول به دست آوردن همه چیز هستیم که وقتی در اختیار خداوند قرار نمی‌دهیم که بتواند موهبت‌هایش را به ما ببخشد خداوند می‌خواهد در او به آرامش برسید و فقط او را دوست بدارید. از شما می‌خواهد که اجازه دهید او نیز شما را دوست بدارد و این محبت را دریافت کنید. شیطان قادر به قطع این جریان نخواهد بود اگر عاشق باشید بخشنده نیز خواهید شد. نمی‌شود عاشق بود و نبخشید! آخرین قسمت آیه تشبیه ۷:۶ می‌گوید: خداوند شما را انتخاب کرده است! چون شما قوم مقدسی هستید که به خداوند، خدایتان اختصاص یافته‌اید او از بین تمام مردم روی زمین شما را انتخاب کرده است تا برگزیدگان او باشید.

خداوند شما را برگزیده است!

در حال حاضر ممکن است که مهم‌ترین کار شما در خانه با افراد خانواده خود باشد اما خداوند شما را برگزیده است اگر واقعا تصمیم دارید که توسط خداوند مورد استفاده قرار گیرید او از شما استفاده صحیح خواهد کرد.

در ابتدا باید پایه این کار را قرار دهید و این پایه دانستن و آگاهی این مساله است که خداوند دوستتان دارد.

کل انرژی روحانی خود را بر روی نیازهای شخصی و به دست آوردن نیازهای خود صرف نکنید. با زبانی ساده و صریح نیازهای خود را به خداوند اعلام کنید آن‌گاه ایمان خود را بیشتر کنید و به سراغ نیاز انسان‌های دیگر بروید.

در سمینارهای ایمان عیسی دعا خواهد کرد و در حضور خداوند تمام نیروی خود را به کار می‌بندد تا خارج شده و نیازهای مردمی را که به این سمینارها رفته اند را بر آورده سازد.

کلام را برای آن‌ها موعظه می‌کند دست خود را بر آن‌ها می‌گذارد و آن‌ها معجزه‌ها دریافت خواهند کرد. در گوشه جایی از این سمینارها نمی‌نشینند تا

ایمان خداوند را برای چیزهایی که می‌خواهد آزمایش کند. او نیز دست به عمل می‌زند. نیازهای خود را به خداوند بگویید البته نیازهای اصلی خود را، آرزوهای مهم زندگی، اگر چه، بایست نیازهای دیگر انسان‌ها نیز در نظر گرفته شود را به خداوند بگویید.

موفقیت واقعی در معنای دقیق و صحیح توانایی استفاده از خداوند برای در نظر گرفتن نیازهایی است که قبل از ما وجود دارند. محبت خداوند به شما این قدرت را خواهد داد تا نیازهای انسان‌های دیگر را قبل از نیازهای خود در نظر بگیرید.

آیا فکر می‌کنید خداوند به قدر کافی شما را دوست دارد که قادر شده‌اید دیگران را منظوم افرادی است که واقعا دوست داشتنی نیستند (بد اخلاق، حق نشناس) را دوست بدارید؟

این‌که کسی را که شما را دوست دارد شما نیز او را دوست بدارید تفاوتی نمی‌کند و کار مهمی انجام نمی‌گیرد. گناهکارهای حرفه‌ای هم می‌توانند چنین کاری را انجام دهند اما هنگامی که انسان‌هایی را که قابل دوست داشتن نیستند را دوست دارید و بر این محبت پا فشاری می‌کنید، به محبت کردن ادامه داده و به آن‌ها باز هم محبت می‌کنید آن وقت محبت خداوند آن‌ها را تغییر خواهد داد.

ممکن است این جریان یک‌سال پنج سال، بیست و پنج سال به طول بکشد ولی ارزشش را دارد.

چند سال عیسی مسیح برای شما به انتظار نشست؟

خداوند شما را دوست دارد، اطرافیان شما را نیز دوست دارد. گناهکار یا نجات یافته، او آن‌ها را دوست دارد و می‌خواهد از شما به عنوان کانالی برای به جریان انداختن این محبت استفاده کند. برای قدم نهادن در این راه نترسید محبت خداوند شما را از ترس و محکومیت رها می‌سازد او شما را قادر به دوست داشتن کرده است. برای گسترش محبت خداوند مصمم باشید. رفتاری محبت‌آمیز را با مردم شروع کرده و این کار را حرفه خود قرار دهید حرفه شما این است که رفتاری محبت‌آمیز با مردم که بدن مسیح هستند داشته باشید.

از مردم برای شام دعوت کنید و از آن‌ها بخواهید که بیایند و شما را ملاقات نمایند. با مردم دست بدهید، بخندید. خداوند می‌خواهد که کاری انجام دهید او می‌خواهد که از شما در طریقی استفاده کند که از هیچ مخلوق دیگری بر روی

زمین نمی‌تواند چنین استفاده‌ای بکند.

انسان‌هایی هستند که تنها شما می‌توانید به آن‌ها خدمت کنید هیچ شخص دیگری نمی‌تواند آن انسان را به دست بیاورد جز شما، از خداوند بخواهید که راه‌ها را به شما برای به دست آوردن آن‌ها با محبت خود نشان دهد و او به شما این را آموزش خواهد داد.

خداوند شما را دوست دارد!

بخش اعظم مردم تنبل هستند و این کار را انجام نمی‌دهند. ترجیح می‌دهند که این کار را شخص دیگری برایشان انجام دهد. هیچ عذر و بهانه‌ای نتراشید.

هر شخصی که این کتاب را مطالعه می‌کند و دنباله روی خداوند نمی‌باشد و به وسیله جملاتی که من نوشته‌ام محکوم می‌شود ممکن است که شیطان دقیقاً در پشت این محکومیت قرار بگیرد، می‌دانم که چه پیش می‌آید شیطان به شما بهانه پشت بهانه‌های دیگر می‌دهد ولی با خداوند خیلی جدی باشید و درخواست خود را به او بگویید. کلام خدا و دوستی با او شما را تغییر می‌دهد. شما قادر به انجام این کار هستید.

پولس در فیلیپیان می‌گوید: هرچه خدا از من بخواهد به کمک مسیح می‌توانم انجام دهم، زیرا مسیح قدرت انجام آن را به من می‌بخشد.

سخنی دیگر: در کل خلقت کاری وجود ندارد که عیسی مسیح قدرت انجام آن را نداشته باشد. همان موقع که خداوند مشکلی را در شما گوشزد می‌کند باید با قدرت و پیروزی برخاسته و دست از آن کار بکشید محبت خداوند را برای خود به دست آورده و اجازه ندهید آن شیطان دروغگو و کثیف به شما بگوید چقدر فاسد و بد هستید. شما شروع به رفتاری پیروز مندانه خواهید کرد.

ممکن است در حال حاضر بترسید ولی اگر ایمان داشته باشید که خلقتی نو در درون شما ایجاد شده است می‌توانید رفتاری متفاوت داشته باشید. تا زمانی که این کلام را نگویید: خدا را شکر من فردی خاص هستم، مقدس هستم خداوند مرا انتخاب کرده است به وسیله خون بره گناهان مرا شسته و مرا پاک ساخته است. حتی یک ذره هم تغییر نخواهید کرد. می‌خواهم چنین رفتاری داشته باشم اهمیتی نمی‌دهم چقدر اشتباه داشته‌ام شیطان! خداوند آن قدر بزرگ است که گناه مرا برداشته و به من اجازه داده است ادامه بدهم، او اشتباهات مرا پاک می‌کند!

چه مشکلاتی شما را مغلوب می‌سازد اگر "آگاه باشید که می‌دانید" که خداوند شما را دوست دارد؟ هیچ مشکلی وجود ندارد. در تمام مشکلات پیروز خواهید شد.

آیا دوست دارید پیروز باشید؟ آیا چیزی می‌خواهید که باعث پیروزی شما شود؟ به این سوال بعداً پاسخ دهید.

اگر هیچ مشکلی وجود نداشت و هیچ چیزی برای پیروزی در اختیار نداشتید چگونه می‌توانستید ایمان خود را ابراز کنید؟ این تنها راه رشد شما می‌باشد. از مشکلاتی که بر علیه شما می‌آیند به عنوان یک موقعیت برای رشد استفاده کنید ببینید که خداوند چه انجام خواهد داد به خاطر این که او شما را دوست دارد!

اگر به خداوند تکیه کرده و بگذارید که او شما را دوست بدارد تمام تلاش و کوشش خود را برای به کار انداختن ایمان فراموش کرده و به استراحت و آرامش دست می‌یابید.

بگذارید که خداوند شما را دوست بدارد و شما نیز او را دوست داشته باشید همانند شخصی مست به اطراف می‌چرخید مست در روح خدا، احساس آزادی در درون و این اتفاق زمانی می‌افتد که

فصل هفتم

محبت خداوند شما را تغییر خواهد داد

این است محبت واقعی! ما او را محبت نکردیم بلکه او ما را محبت کرد و یگانه فرزندش را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود.

اول یوحنا ۴:۱۰

خداوند ما را دوست دارد ولی فکر می‌کنم بسیاری از به درک درستی از این عشق و محبت که خداوند نسبت به ما دارد نرسیده‌ایم. خداوند به من نشان داد، بواسطه مطالعه‌ای که بر روی این مساله داشتم اگر واقعاً در روح خود می‌دانستیم که خداوند چقدر ما را دوست دارد بر می‌خواستیم و به شخصیتی که داریم تغییر اساسی می‌دادیم.

بر روی محبت خداوند تمرکز کنید. این محبت شما را تغییر می‌دهد. اگر موردی را در خود دوست ندارید "چیزی را که خودتان از آن آگاه هستید" محبت خداوند قرار است آن را تغییر دهد.

چه احساسی پیدا خواهید کرد وقتی که بدانید شخصی شما را دوست دارد؟ احساسی دلنشین به شما دست خواهد داد. درست است؟ فکر می‌کنید زشت هستید؟ خداوند به من گفت بعضی از مردم که این کتاب را می‌خوانند از خودشان متنفر هستند. از کارهایی که انجام می‌دهید تنفر دارید و قبول نکرده‌اید که مخلوقی جدید می‌باشید و هنوز با طبیعت کهنه خود در مبارزه به سر می‌برید! تا زمانی که به دور خود می‌چرخید و احساس بسیار بدی نسبت به خود دارید، دوست نداشتن خود، تنفر، تشخیص این قضیه که شما بسیار خاص هستید هرگز تا آن زمان رفتاری خاص نخواهید داشت. انجیل در امثال ۲۳:۷ می‌گوید: چون او حساب هرچه را که بخوری در فکرش نگه می‌دارد او تعارف می‌کند و می‌گوید (بخور و بنوش) اما این را از ته دل نمی‌گوید. تمام این‌ها به خاطر این است که شما به این حقیقت دست نیافته‌اید که خداوند دوستتان دارد.

اگر خداوند را در ابتدا قرار ندهید در موقعیتی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند برای شما کاری انجام دهد. خداوند می‌خواهد خود را با او در یک برنامه بنیادی و مخصوص قرار دهد. بخشی از زندگی خود را به او اختصاص دهید. او را دوست بدارید و اجازه دهید او شما را دوست بدارد و این باعث رشد و قدرتمند شدن در روح یک انسان می‌گردد.

دیگرمصیبت‌های زندگی به شما هیچ آسیبی نمی‌رسانند به خاطر این‌که محبت خداوند را به کار انداخته و آزادانه می‌چرخید.

زمانی‌که در روح‌القدس تعمید گرفتیم سه هفته نخستین به نظر می‌رسید در محبت خداوند مست هستیم. مردم به من می‌گفتند: چه مشکلی برایت پیش آمده است؟ چقدر فرق کرده‌ای جویس، نمی‌توانم این را باور کنم. چه اتفاقی برایت افتاده است؟

همین افراد سه هفته بعد به سراغم آمدند و گفتند: چه اتفاقی بر سر زندگیت آمده است؟

حتی یک کلمه برای متقاعد کردن آن‌ها نداشتم که بگویم آن‌ها خود شاهد این تغییرات بودند. اگر محبت خداوند را در زندگی به کار می‌برید قرار است که تمام اوقات بخندید، قرار است زیبا باشید و قرار است که انرژی و قدرت داشته باشید. قادر خواهید بود که مردم را هدایت کنید به خاطر این‌که روح مقدس شما را حمایت می‌کند تا تمام نیازهایی را که دارید برآورده شود.

به خود بگویید: خداوند مرا دوست دارد، هلولویا، خدا را شکر! خداوند مرا دوست دارد. من فرزند انتخاب شده‌ام و هستم. خداوند مرا دوست دارد! حال به پیش رفته جهشی بلند در ایمان بردارید و به آن اعتقاد داشته باشید.

خداوند واقعاً شما را دوست دارد!

تجربه زندگی جدید

اگر هرگز عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود دعوت نکرده‌اید از شما می‌خواهم تا این کار را هم اکنون انجام دهید. شما می‌توانید این دعا را بکنید و اگر واقعاً صادق و بی‌ریا هستید زندگی جدیدی را در مسیح تجربه خواهید کرد.

خدای پدر، ایمان دارم که عیسی مسیح پسر تو و نجات دهنده جهان است. ایمان دارم که او بر روی صلیب به خاطر من مرد و تمام گناهان مرا برداشت. او به جهنم رفت و بر مرگ و نا بودی پیروز گردید.

ایمان دارم که عیسی مسیح از مرگ برخاست و حال بر دست راست خداوند نشسته است. عیسی به تو نیازمندم. گناهان من را ببخش، نجاتم بده، بیا و در درون من زندگی کن. می‌خواهم که تولدی دوباره داشته باشم.

بعد از گفتن این کلمات ایمان داشته باشید که عیسی در درون قلب شما زندگی می‌کند. شما بخشیده شده‌اید، (خالصانه) و به بهشت خواهید رفت. کلیسایی که کلام خداوند را آموزش می‌دهند پیدا کنید و در مسیح شروع به رشد نمایید. هیچ تغییری در زندگی شما مگر به وسیله آگاهی از کلام خداوند رخ نخواهد داد.

یوحنا ۳:۳۱ - ۸:۳۱ می‌گوید:

عیسی به این عده فرمود: اگر همان‌گونه که به شما گفتم زندگی کنید، شاگردان واقعی من خواهید بود. حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت.

نصیحت می‌کنم به کلام خداوند تکیه کرده آن را عمیق در قلب خود بکارید و بر طبق دوم قرن‌تیاں ۳:۱۸ رفتار کنید. اما ما مسیحیان نقابی بر صورت خود نداریم و همچون آینه‌ای روشن و شفاف جلال خداوند را منعکس می‌کنیم و در اثر کاری که خداوند یعنی روح‌القدس در وجودمان انجام می‌دهد با جلالی روز

افزون به تدریج شبیه او می‌شویم.
 به من نامه بنویسید و اجازه دهید که بدانم عیسی مسیح را قبول کرده‌اید و
 بخواهید که کتاب چگونه زندگی جدید در مسیح را آغاز نمایم را برایتان هدیه
 بفرستم.
 با عشق و محبت.
 جویس

بشنویم، شناخت درونی خداوند، نبردگاه فکر از او به جای مانده است.
 او همچنین هزاران نوار آموزشی و کتابخانه‌ای ویدیویی از خود به جای گذاشته
 است. برنامه رادیویی لذت بردن از زندگی روزانه جویس و برنامه‌های تلویزیونی
 او در تمام جهان پخش می‌شود و سفرهای بسیاری برای اداره کردن
 کنفرانس‌هایش داشته است.
 جویس و همسرش دیو، چهار فرزند دارند و در سنت لویس، میسوزی زندگی
 می‌کنند...

درباره نویسنده

جویس مییر کلام خداوند را از سال ۱۹۷۶ آموزش داده است و به صورت تمام
 وقت از سال ۱۹۸۰ به خداوند خدمت می‌کند. کتاب‌های او پرفروش‌ترین و
 بیش از شصت عنوان کتاب شامل به دنبال آرامش، چگونه کلام خداوند را

